

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۲۵ مارچ ۲۰۲۲

جنگ قدرت در درون طالب و ...!

(۳)

پنجشنبه - ۰۴ حمل ۱۴۰۱ - کابل:

۳- و اما به ارتباط سخنان "غنی احمدزی" و دوباره وارد میدان سیاست شدن وی:

الف- این قلم از همان نخستین مصاحبه "غنی احمدزی" با "بی بی سی" و به تعقیب آن مطالبی که برادرش از زبان وی نقل می کرد، تذکار داده ام که تمام این تشبیهات و تلاشهای مذبحخانه، بیانگر آن است که "غنی احمدزی" تا هنوز حسابش را آن طوری که می خواست با افغانستان و مردم آن تصفیه ننموده و می خواهد باز هم بر جنایات و خیانت هایش بیفزاید.

با در نظر داشت این که "غنی احمدزی" از میان مردم افغانستان برنخاسته و خودش نیز در تمام این بیست سالی که یکی از پایه ها و ثلث آن در رأس حاکمیت قرار داشت هیچ نوع تلاشی جهت ایجاد یک حزب و نهادی ننموده تا با اتکاء به نفوذ آن اینک وارد میدان گردد، می باید تمام امیدش به حمایت بادر و یا بادران جدید و قدیمش باشد، مگر آنچه در این زمینه تا هنوز نامعلوم است تکیه گاه نیست که "غنی احمدزی" می باید با اتکاء با آن دوباره وارد میدان گردد. این تکیه گاه که نمی تواند داخلی باشد برای احیای "غنی احمدزی" می باید یک قدرت خارجی باشد ورنه خودش می داند که نه تنها از هیچ گونه حمایت داخلی برخوردار نیست، حتا از اعتبار خاندان "حقانی" نیز در بین مردم افغانستان برخوردار نیست تا چه رسد به "کرزی و عبدالله".

ب- اگر تلاشهای کنونی "غنی احمدزی" را به مثابه تلاش جهت یافتن یک پشتوانه در سطح بین المللی در نظر بگیریم، سوالی که عرض وجود می کند، این است: کدام دولت حاضر خواهد شد با فردی مانند "غنی احمدزی" که در دروغ گوئی، تفرقه اندازی، ریاکاری، لافزنی، خیانت و چپاول دار و ندار کشور، بی کفایتی، باند بازی و سرنوشت کشور و مردمانش را به بازی گرفتن، نوکری و جاسوسی اجانب و سرانجام جین و فرار حد اقل در تاریخ افغانستان معاصر بی رقیب و بی جوره است و می توان از این منظر وی را فرد اول جهان معرفی داشت، اتحاد و همکاری نماید و چگونه می تواند بر وی اعتماد کند.

وقتی فردی مانند "غنی احمدزی" که تا دیروز یعنی تا زمانی که در رأس حاکمیت گماشته شده بود، تمام هم و غمش ایجاد نفاق و افتراق بین آحاد ملت و بردن جنگ در درون اقوام، مذاهب و نهاد ها بود و تا توانست اقوام مختلف کشور

را یکی مقابل دیگری استعمال نموده، آتش جنگ و خصومت های قومی را همیشه مشتعل نگه می داشت، امروز می آید و از "وفاق ملی" یاد می نماید، معلوم نیست که با این حرف، آیا می خواهد خود را مسخره کند و یا می خواهد به "ریش مردم خندیده" اینبار با گفته هایش مردم را مورد تمسخر قرار دهد و یا مردم را درازگوش فکر نموده، به شعور آنها توهین می نماید.

آخر چطور می تواند انسانی که در زمان زمامداری اش ریختن خون اقوام با هم برادر کشور را به دست یک دیگر شان سازماندهی و مباح اعلام نموده است، امروز می آید از وفاق ملی و اتحاد ملی صحبت می نماید. همچنین انسانی که خود اعتراف می نماید اعتمادش بر خارجی ها باعث سقوط حاکمیتش شده است، و این او بوده است که بر مبنای همان اعتماد، سرنوشت افغانستان و مردمش را با امضای "موافقتنامه با امریکا" و بقیه کشور های امپریالیستی در پای اشغالگران امریکائی و شرکاء قربانی نمود و قتی امروز می آید و از استقلال و حاکمیت ملی صحبت می نماید، انسان متعجب می گردد که چنین یک انسانی چطور می تواند با زهم از استقلال و حاکمیت ملی صحبت نماید و بی حیائی و دیده درائی تا کجا می تواند ادامه یابد؟

هموطنان گرامی!

هرچند در تاریخ کشور ما در درازنای زمان، زمامداران خاین، جاسوس بیگانه، جنایتکار، دزد و رشوتخور بسیار گذشته است، مگر یک حقیقت را می باید همیشه به خاطر داشت که اولاً هیچ گاهی هیچ یک از آنها تمام این صفات مذموم را در کل باخود نداشته و این تنها "غنی احمدزی" بود و است که "جامع الخبایث" می باشد و در ثانی هیچ یک از آنها در داشتن صفات خبیثه قادر نبوده اند با "غنی احمدزی" رقابت نمایند.

هموطنان گرامی!

تا جایی که به مردم افغانستان تعلق دارد، علی رغم تمام جنایاتی که طالب انجام داده و در آینده خواهد داد، بین تمام مردم نمی توان کسی را یافت که "غنی احمدزی" را با سگ "ملا هبت الله" مقایسه کند، تا چه رسد به خودش. یعنی به حساب مردم افغانستان اگر باشد "غنی احمدزی" از لحاظ سیاسی مرده است و دیگر چانسی برای زندگی و بقاء ندارد، این که با داران امپریالیستی اش به جای آب حیات، نوشادر از سر و زیر به خوردش بدهند، حرف دیگر نیست. و اما تا جایی که به مردم افغانستان تعلق می گیرد، "غنی احمدزی" باید این را بداند که اگر دست مردم به وی برسد به هزار و یک جرم جسد مردارش را آنقدر به دار آویخته نگه خواهند داشت، تا خود بپوسد و قطعاتش از دار فروریزد. در چنان حالتی هم مردم افسوس خواهند خورد که توانائی خدای سادیست ادیان ابراهیمیو بقیه ادیان را ندارند و نمی توانند وی را باربار زنده نموده، باربار با شکنجه بمیرانند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!